

تعیین علائم اختصاری نسخه‌ها در تصحیح متون

عبّاس بگ‌جانی (استادیار فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

چکیده: یکی از کارهای اولیه در تصحیح متون، تعیین علائم اختصاری برای نسخه‌های مبنای تصحیح است؛ علائم معنی‌داری که به نوعی با نسخه‌ها در پیوند باشند و به آسانی ذهن خواننده را به آن‌ها ارجاع دهند و اشکال تداخل با نسخه‌بدل‌ها نیز برای آنها قابل تصور نباشد. مصححان متون فارسی، تا امروز کمتر در این موضوع سخن گفته‌اند و قواعد مشخصی برای آن تعیین نکرده‌اند. بیشتر آنان در کار خود، بر مبنای ذوق و سلیقه عمل کرده‌اند و این شیوه کاستی‌هایی در متن پدید آورده و برای خوانندگان نیز مشکلاتی در پی داشته‌است. در این مقاله نگراننده با بررسی منتقدانه شیوه‌های معمول مصححان در تعیین رمز نسخه‌ها، معیارهای روشنی در این زمینه پیشنهاد کرده و امیدوار است که توجه به آنها، کاستی‌ها و مشکلات مذکور را رفع کند.

کلیدواژه‌ها: علائم اختصاری، رمز نسخه‌ها، تصحیح متون، شیوه‌های تصحیح، قواعد علمی.

۱- مقدمه

تصحیح متن به شیوه جدید اگرچه در ایران دانشی نسبتاً نوپا محسوب می‌شود، اما به دلیل فراوانی نسخه‌های خطی و گستردگی میدان کار، شمار کتاب‌ها و مقالاتی که در زمینه‌های مختلف آن تألیف شده قابل توجه است. همچنان که تعداد متون تصحیح‌شده به دست مصححانی دانشمند، مانند محمدتقی بهار، محمد قزوینی، جلال‌الدین همایی، و محمدتقی مدرس رضوی، نیز چشمگیر است. باین‌همه، هنوز می‌توان بعضی از اصول مهم تصحیح متن را با تفصیل بیشتری بررسی کرد. یکی از این اصول اولیه تعیین رمز یا علامت اختصاری برای نسخه‌های مبنای تصحیح است که مصحح درباره آن تصمیم

می‌گیرد و با توجه به اینکه تا امروز قاعده و معیار خاصی درباره آن تعیین نشده است، همچنان ذوق شخصی مصحح بیشترین دخالت را در این زمینه دارد.^۱
 تعیین ذوقی علائم اختصاری و بی‌توجهی به برخی نکات تأثیرگذار کاستی‌هایی در کار مصححان پدید آورده و خواننده متن را با مشکلاتی مواجه کرده است. نگارنده با اعتقاد به این نکته که تعیین ضوابط علمی و تعمیم‌پذیر در این زمینه کاستی‌ها و مشکلات مذکور را رفع خواهد کرد، در این مقاله کوشیده است با بررسی محاسن و معایب شیوه‌های معمول مصححان گامی در این راه بردارد.

۲- پیشینه کاربرد علائم

کاربرد علائم اختصاری در کتابت متون جهان اسلام سابقه‌ای طولانی دارد. کاتبان حدیث از اولین کسانی بودند که برای کلماتی مانند حدثنا (ثنا)، أخبرنا (أنا) و أنبأنا (أبنا) و عباراتی دعایی مانند رحمه الله تعالی (رح)، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ (ص) و رَضِيَ اللهُ عَنْهُ (رض) که بسامد بالایی در متون حدیثی دارند، علائمی وضع کردند.^۲ در منابع حدیث حتی اسامی برخی از امهات کتب حدیث، مانند صحاح سته (بخاری (خ)، مسلم (م)، ترمذی (ت)، ابی‌داود (د)، نسائی (ن)، و قزوینی (ق)، نیز به صورت اختصاری نوشته می‌شد (فضلی ۱۴۰۲: ۱۱۷).
 تعیین اختصارات در این کتاب‌ها به شیوه‌های مختلفی صورت می‌گرفت که بدرالدین محمد غزّی (درگذشت: ۹۸۳ق)، برخی از آن‌ها را در کتاب خود، الذُّرُّ النَّضِيدُ فِي ادبِ الْمُفِيدِ و المستفید گزارش کرده است (رک. غزّی ۱۴۳۰: ۴۶۰). کاتبان علوم دیگر نیز به تدریج، به راه حدیث‌نویسان رفتند و در کار خود رموزی ابداع کردند که شیخ محمدرضا مامقانی بسیاری از آنها را در معجم الرموز و الإشارات گرد آورده و شرح داده است (رک. مامقانی ۱۴۱۲: ۲۵؛ نیز: سامرانی ۱۴۰۷: ۱۰۵).^۳

کاتبان مغرب‌زمین نیز به استفاده از علائم اختصاری (/ Abbreviation / Sigla / symbols) توجه داشتند و شمار زیادی از این گونه علائم را در استنساخ متون غربی به کار

۱. از میان محققان نجیب مایل هروی و جويا جهانبخش بیش از دیگران در این زمینه سخن گفته‌اند و ما در این مقاله از آرای ایشان بهره‌مند بوده‌ایم.
 ۲. ناگفته نماند که برخی از محققان علم حدیث ذکر مختصر صلوات بر پیامبر را ناپسند می‌دانستند (رک. ابن‌الصلاح ۱۴۲۳: ۲۹۸؛ سیوطی ۱۴۲۵: ۵۰۲).
 ۳. برخی مؤلفان نیز، برای سهولت کار تألیف، اختصاراتی وضع می‌کردند که خاص آثار آنان بود. مثلاً مترجم ناشناس تقویم‌الصحه (زنده در اواخر قرن ۵) اثر ابن‌بطلان بغدادی (درگذشت: پس از ۴۵۵ هجری)، برای کلمات و اعلام مکّز در این کتاب رموزی در نظر گرفته است، مانند «ح» (= حار)، «ب» (= بارد)، «ر» (= رطب)، «ب» (= بقراط)، «ج» (= جالینوس) (بغدادی ۱۳۶۶: نوزده).

می‌بردند (رک. Trice Martin, 1910؛ Lindsay, 1915؛ کافی ۱۳۷۰: ۱۴). ابداع نخستین علائم اختصاری را در تصحیح متون به زنودوت افسوسی (حدود ۳۲۵-۲۴۰ ق.م)، اولین مدیر کتابخانه اسکندریه نسبت داده‌اند. او در تصحیح آثار شاعران و نویسندگان یونان ابیاتی را که در اصالت آن‌ها تردید داشت با این علائم در حاشیه کتاب مشخص می‌کرد. شاگرد زنودوت، آریستوفون بیزانسی (ح ۲۵۷-۱۸۰ ق.م)، و شاگرد او، آریستارخوس (۲۲۰-۱۴۴ ق.م)، که مدیران بعدی کتابخانه اسکندریه بودند، با ابداع علامت‌های جدید کار زنودوت را تکمیل کردند (امیدسالار ۱۳۸۵: ۹).

با آنکه سنت عرض و مقابله نسخه‌ها در سرزمین‌های اسلامی قدمتی دیرینه دارد، ضبط نسخه‌بدل‌ها در میان پیشینیان چندان مرسوم نبود و از این رو تعیین رمز برای نسخه‌ها نیز موضوعیت نداشت. با این همه، در موارد نادری که خلاف این قاعده عمل می‌شد، اختلاف ضبط‌های همه نسخه‌ها با رمزی واحد، مانند «خ» (= خطی) یا «خ ل» (= نسخه‌بدل)، در هاشم ثبت می‌شد (مایل هروی ۱۳۷۹: ۴۷۸؛ جهانبخش ۱۳۷۸: ۳۸) و این امر احتمالاً به این علت بود که غالب نسخه‌های مورد استفاده کاتبان در تملک اشخاص بود و در طول زمان‌های مختلف دست به دست می‌شد، بنابراین جایگاه ثابت و مشخصی نداشت و در دسترس همگان نبود تا قابل ارجاع باشد. به یاد آوریم که یکی از مهم‌ترین عوامل تحول فن تصحیح متون را در غرب، پس از انقلاب کبیر فرانسه، انتقال دست‌نوشته‌ها از مجموعه‌های خصوصی به کتابخانه‌های دولتی و در نتیجه افزایش دسترسی دانشمندان به آن‌ها دانسته‌اند (امیدسالار ۱۳۸۵: ۱۲). آنچه را امروز در تصحیح انتقادی متون با عنوان «علائم اختصاری / رمز نسخه‌ها» می‌شناسیم نخست بار یوهان یاکوب ویتشتاین^۴ (۱۶۹۳-۱۷۵۴)، دانشمند سوئیسی و مصحح عهد جدید، به کار گرفت و به مرور زمان مورد اقبال دیگران واقع گشت (Kenny, 1984: 189).

۳- انواع علائم

هریک از مصححان متون فارسی در تعیین علائم اختصاری برای نسخه‌های مبنای تصحیح خود شیوه‌ای در پیش گرفته‌اند که غالباً به اقتضای ذوق و سلیقه آنان بوده‌است. هم از این رو، شیوه‌های کار تفاوت‌های قابل توجهی با هم دارند و گاه حتی یک مصحح در آثار مختلف خود شیوه واحدی به کار بسته و روش‌های متفاوتی اعمال کرده‌است.

در میان مصححان هستند کسانی که به‌طور کلی پای‌بند این اصل مهم نبوده‌اند و اختلاف نسخه‌ها را بدون نشانه‌ای راهنما گزارش کرده‌اند. از این‌رو، در بررسی این آثار نمی‌توان در باب صحّت و اصالت نسخه‌ها نظر درستی ارائه کرد. برای نمونه، مدرّس رضوی در طبع دیوان سید حسن غزنوی و دیوان سنایی، در اغلب موارد، نسخه‌بدل‌ها را بدون علامت نسخه ذکر کرده‌است.

گروهی از مصححان در تعیین علائم شیوه‌ای مشخص در پیش نگرفته‌اند. مثلاً محمد قزوینی در تصحیح دیوان حافظ (۱۳۲۰: مج) این علائم را برای نسخه‌های مورد استفاده خود برگزیده و پیداست که در تعیین آن‌ها اسلوب خاصّ در ذهن نداشته‌است، زیرا برخی از آن‌ها یک حرفی، برخی دوحرفی و برخی یک کلمه‌اند و همچنین نوع ارتباط شماری از آن‌ها با نسخه روشن نیست: «خ (نسخه متعلّق به سید عبدالرحیم خلخالی)، نخ (نسخه متعلّق به محمّد نخجوانی)، ر (نسخه متعلّق به اسماعیل مرآت)، ق (نسخه متعلّق به عباس اقبال)، ل (نسخه متعلّق به قاسم غنی)، م (نسخه متعلّق به قاسم غنی)، س (نسخه متعلّق به قاسم غنی)، ی (نسخه متعلّق به غلامرضا رشید یاسمی)، نسخه تقوی شماره ۱ (نسخه متعلّق به سید نصرالله تقوی)، نسخه تقوی شماره ۲ (نسخه متعلّق به سید نصرالله تقوی)، حن (نسخه متعلّق به حسین نخجوانی)، هندی (نسخه متعلّق به قاسم غنی که در هند تجلید شده‌است)، نواب (نسخه متعلّق به قاسم غنی که قبلاً از آن محمدحسین نواب یزدی بوده‌است)، دبیرخاقان (نسخه متعلّق به مهدی ایزدی شیرازی، دبیرخاقان سابق)، باء (نسخه کتابخانه ملی)، الف (نسخه کتابخانه ملی)، سپه (نسخه کتابخانه مدرسه سپهسالار)، ملک (نسخه کتابخانه ملک)، ط (دیوان حافظ چاپ طهران)، ت (دیوان حافظ چاپ تبریز)».

برخی دیگر با غفلت از این نکته که اصولاً هدف اصلی از تعیین علائم اختصاری پرهیز از درازنویسی در عرضه اختلافات نسخه‌ها و در نتیجه کاهش حجم آن‌هاست، گاه یک کلمه را به‌عنوان رمز نسخه برگزیده‌اند. برای نمونه، مجتبی مینوی (نصرالله منشی ۱۳۵۶: یط) در تصحیح کلیده و دمنه کلماتی از این دست را به‌عنوان رمز نسخه‌ها تعیین کرده‌است: «چلبی، نافذ، بایسنغری، مجلس، قانعی، شرح ابیات، سیرالملوک، تاج، مصادر». نیز رک. مصیبت‌نامه (عطار ۱۳۸۶: ۱۰۴).

گاهی نیز مصحح در ارجاع به چندین نسخه از یک علامت استفاده کرده و با این کار خواننده‌ای را که در پی سنجیدن نسخه‌هاست سردرگم نموده‌است. از جمله، جلال‌الدین همایی در تصحیح دیوان عثمان مختاری (مختاری ۱۳۴۱: ۱۲) پس از تعیین «ص» و «س»

به‌عنوان رمز دو نسخه اصلی مبنای تصحیح خود، برای ارجاع به دیگر نسخه‌ها که بالغ بر پنجاه مأخذ است، تنها از رمز «خ» استفاده نموده‌است.

کاربرد علائم اختصاری در پای صفحات، بدون اشاره به اینکه این علائم مربوط به چه نسخه‌ای است از دیگر اشکالات در این حوزه است. نمونه‌ای از این نوع اشکال در دیوان اوحدی (۱۳۴۰: شصت و پنج) طبع سعید نفیسی به چشم می‌خورد. وی در معرفی نسخه‌ها اشاره‌ای به رمز آنها نکرده، اما در متن رمزهایی مانند «خ» و «ل» به کار برده‌است. مدرس رضوی نیز در دیوان سنایی (۱۳۴۱: ۲۰۹) به نسخه‌ای با رمز «ج» و در دیوان سید حسن غزنوی (۱۳۶۲: ۲۲۱) به نسخه‌هایی با رمز «آ» و «م» ارجاع داده‌است که در مقدمه هیچ توضیحی درباره آنها دیده نمی‌شود.^۵

تعیین ذوقی علائم اختصاری، خواننده متن را نیز با مشکلاتی مواجه می‌کند که از جمله آنها می‌توان به دشواری به خاطر سپردن رمزها و نیاز به مراجعه مکرر به بخش معرفی نسخه‌ها در مقدمه، گویا نبودن علائم اختصاری و سردرگمی در تفکیک آن‌ها از نسخه بدل‌ها اشاره کرد.

در اینجا پس از توضیح مختصر شیوه‌های معمول مصححان متون فارسی در تعیین علائم اختصاری نسخه‌ها، محاسن و معایب هریک را برمی‌شماریم و به اسامی چند تن از پیشگامان هر شیوه اشاره می‌کنیم.

۱-۳- حروف فارسی - عربی

رایج‌ترین شیوه در تعیین رموز نسخه‌ها، استفاده از حروف فارسی - عربی است. در این شیوه یک یا چند حرف به‌عنوان رمز یک نسخه مشخص می‌شود. این رموز معمولاً با نسخه ارتباطی دارند و مثلاً از نام محل نگهداری، کاتب یا مالک نسخه برگرفته شده‌اند. مهم‌ترین امتیاز این شیوه، سنجیت و هماهنگی ظاهری علائم اختصاری با دیگر عناصر شرقی متن و نیز سهولت در برقراری ارتباط بین آن‌ها و نسخه‌هاست که پس از این درباره آن سخن خواهیم گفت (رک. ادامه مقاله: ارتباط با نسخه).

۵. در این میان، نمونه‌های نادری هم دیده می‌شود که مایه دروغ و تأسف است. در تصحیح دوم تاریخ بیهقی به همت قیاض که پس از درگذشت ایشان منتشر شده، هیچ‌گونه توضیحی درباره رموز نسخه‌ها وجود ندارد. استاد بنا به دلایلی (رک. ادامه مقاله: پی‌نوشت ۵) در این تصحیح از حروف لاتین به‌عنوان رمز نسخه‌ها استفاده کرده‌است، اما در هنگام چاپ کتاب، هیچ نوع یادداشتی از ایشان در توضیح این رموز به‌دست نیامده‌است (قیاض ۱۳۵۰: شش).

همایی در تصحیح التفهیم (بیرونی ۱۳۵۱: فط) و دیوان عثمان مختاری (۱۳۴۱: ۱۲)، فروزانفر در تصحیح معارف بهاء‌ولد (۱۳۸۲: ۱ / لط) و مدرّس رضوی در تصحیح دیوان انوری (۱۳۸۴: ۱۲۱) و حدیقه (سنایی ۱۳۵۹: لز) از این شیوه پیروی کرده‌اند.

۲-۳- حروف لاتین

استفاده از حروف لاتین یکی دیگر از شیوه‌های تعیین رمز نسخه‌هاست. تمایز آشکار این رموز اگرچه موجب سهولت کار خواننده در تفکیک آن‌ها از نسخه‌بدل‌ها می‌شود، اما این حروف غربی برخلاف حروف فارسی - عربی فضای شرقی متن را برهم می‌زنند و به‌ویژه به‌سبب تفاوت در جهت خط، مشکلاتی در حروف‌نگاری اثر پدید می‌آورند.

از میان مصححان، محمد قزوینی در تصحیح مرزبان‌نامه (روایندی ۱۳۱۰: یح) و شفیع‌ی کلدکنی در تصحیح اسرارالتوحید (میهنی ۱۳۶۶: دویت و بیست‌وسه) و الاهی‌نامه (عطار ۱۳۸۷: ۷۳) این شیوه را به‌کار بسته‌اند. نیز غالب مصححان فرنگی متون فارسی، مانند گای لسترنج، نیکلسون، ادوارد براون و هلموت ریتر، از پیروان همین شیوه‌اند (رک. عطار ۱۹۰۷: ۱؛ مولوی ۱۹۲۵: ۵؛ عوفی ۱۹۰۶: ج ۱۵/۲؛ عطار ۱۹۴۰: یو).

۳-۳- حروف ابجد

معدودی از مصححان در آثار مصحح خود، حروف ابجد را به عنوان رمز نسخه‌ها برگزیده‌اند و به لزوم ارتباط میان نسخه‌ها و رموز اعتنایی نداشته‌اند. برای نمونه، محمد قزوینی در تصحیح جهانگشا (جوینی ۱۳۸۵: ج ۱ / فو) و خانلری در تصحیح دیوان حافظ (حافظ ۱۳۶۲: ۱۱۲۷) این روش را در پیش گرفته‌اند.

۴-۳- اعداد

استفاده از اعداد در تعیین رمز نسخه‌ها نیز از روش‌هایی است که در تصحیح متون فارسی به‌کار رفته‌است. در این روش نسخه‌ها به ترتیب اهمیت آن‌ها از نظر مصحح، شماره‌گذاری می‌شوند. اشکال اصلی این شیوه، آمیختن رمز نسخه‌ها با شماره‌های نسخه‌بدل‌هاست. به همین علت، کسانی از این شیوه پیروی کرده‌اند که قصد عرضه

۶. در چاپ نخست تاریخ بیهقی (بیهقی ۱۳۲۴: ی) رمز نسخه‌ها از میان حروف فارسی - عربی برگزیده شده بود اما در چاپ دوم این کتاب، قیاض با این استدلال که «حروف فارسی یا عربی اغلب با هم اشتباه می‌شوند و حتی کم یا زیاد شدن نقطه در آن‌ها مؤثر است، ولی حروف لاتین، به‌خصوص اگر با دقت انتخاب شوند، این عیب را ندارند»، رمز نسخه‌ها را به حروف لاتین تغییر داد (بینش ۱۳۵۴: ۵۶۳).

نسخه‌بدل‌ها را نداشته‌اند. نمونه‌هایی از این شیوه در برخی متون منظوم مصحح سعید نفیسی مانند کلیات عراقی (۱۳۶۳: ۳۲)، دیوان هلالی جغتایی (۱۳۳۷: بیست‌وسه) و کلیات قاسم انوار (۱۳۳۷: صدویازده) به چشم می‌خورد. ایشان اعتقاد چندانی به عرضه نسخه‌بدل‌ها نداشت و حتی در برخی موارد، آن را کاری بیهوده می‌دانست که موجب اتلاف وقت خواننده می‌شود (عراقی ۱۳۶۳: ۳۷). از این رو، در تصحیح این آثار از ذکر اختلاف نسخه‌ها خودداری و تنها به ذکر منابع اشعار بسنده کرده‌است.

۴- پیشنهادها

معیارهای روشن و قواعد قابل اتباع در تعیین علائم اختصاری برای نسخه‌های مبنای تصحیح، بسیاری از کاستی‌های پیش‌گفته را رفع خواهد کرد. پیشنهادهای ما در این زمینه از این قرار است:

۱-۴- تجانس

یکی از معیارهایی که مصحح باید در تعیین رمز نسخه‌ها به آن توجه داشته باشد تجانس و همگونی این رمزها با زبان متن است. به این معنا که رمزها نباید فضای ظاهری اثر را مخدوش کنند. برای نمونه، در تصحیح متون فارسی استفاده از حروف لاتین به‌عنوان علائم اختصاری نسخه‌ها فضای شرقی متن را برهم می‌زند. برای درک بهتر این ناهمگونی، کافی است تصور کنید در تصحیح متون لاتین، حروف فارسی - عربی به‌عنوان رمز نسخه‌ها تعیین شود. بنابراین در تصحیح متون فارسی، بهترین شیوه آن است که رمز نسخه‌ها از میان حروف فارسی - عربی انتخاب شود.

۲-۴- ارتباط با نسخه

از جمله قواعد مهم در تعیین علائم اختصاری نسخه‌ها، برقرار کردن پیوندی روشن میان آنها و نسخه‌هاست، به گونه‌ای که خواننده به‌سادگی بتواند آنها را به‌یاد بسپارد. بهترین راه تحقق این امر استفاده از اطلاعات نسخه‌شناختی دست‌نویس‌هاست. برای نمونه، می‌توان یکی از حروف نام محل نگهداری (شهر / کتابخانه)، کاتب یا مالک نسخه را به‌عنوان رمز نسخه انتخاب کرد: «ج» (نسخه متعلق به کتابخانه مجلس)؛ «غ» (نسخه کتابت ابراهیم بن

عوض مراغی)؛ «ف» (نسخه متعلق به سعید نفیسی).^۷ حال اگر اطلاعات نسخه‌ها در این موارد مشترک باشد، برای متمایز کردن آن‌ها می‌توان اعداد را به رمزها افزود. مثلاً به این صورت: «ج۱» و «ج۲» و ...^۸.

۳-۴- بی‌معنایی

یکی از مهم‌ترین راه‌های پیشگیری از آمیختگی رمز نسخه‌ها و نسخه‌بدل‌ها انتخاب رمزهایی فاقد معناست که بسیاری از مصححان آن را نادیده گرفته‌اند. نمونه‌ای از این اشکال را می‌توان در گلستان (سعدی ۱۳۸۷: ۱۸) ملاحظه کرد. استاد یوسفی برای نسخه‌های مبنای این تصحیح از رمزهایی مانند «آس»، «پی»، «آ»، «مل»، «پر»، «یا»، «با»، «بل»، «بی»، «بن» استفاده کرده‌است که همگی کلماتی معنادارند و احتمال آمیختگی آن‌ها با نسخه‌بدل‌ها بسیار است. باید توجه داشت که در این مورد نباید صرفاً به تک‌حرفی بودن رمزها اکتفا کرد. زیرا برخی نسخه‌بدل‌ها مانند «ز=از»، «آ=آی=بیا» از یک حرف معنادار تشکیل شده‌اند.

۴-۴- تک‌حرف بودن

پرهیز از درازنویسی به مثابه هدف اصلی از تعیین علائم اختصاری اقتضا می‌کند که کمترین واحد ممکن زبان یعنی یک حرف به عنوان رمز نسخه‌ها انتخاب شود. بسیاری از مصححان برخلاف این قاعده روشن، از ترکیب چند حرف به عنوان رمز نسخه‌ها استفاده کرده‌اند. برخی از این رموز مانند «مل» (= نسخه کتابخانه ملی / ملک) و «مچ» (= نسخه کتابخانه مجلس)، که توسط نخستین مصححان متون فارسی به‌کار گرفته شده‌اند، به سنتی در تصحیح متون بدل شده‌اند و کمتر کسی از محققان در کار خود آن‌ها را تغییر داده‌است.

۷. فروزانفر بیش از دیگران به ارتباط میان رمز و نسخه توجه داشته‌است و در غالب آثار مصحح خود آن را رعایت کرده‌است. برای نمونه، در اینجا رموز نسخه‌ها را در کلیات شمس (مولوی ۱۳۵۵: ۱ / و) ذکر می‌کنیم که ایشان حتی علت تعیین یکی از رمزها را نیز ذکر کرده‌است: عد (نسخه کتابخانه اسعد افندی)، قو (نسخه موزه قونیه)، چت (نسخه کتابخانه چستریتی)، مق (نسخه موزه قونیه)، خب (نسخه کتابخانه بلدیه استانبول، «به اعتبار آنکه منتخب‌گونه‌ای است از دیوان»)، قح (نسخه کتابخانه گوک احمدپاشا در شهر افیون قروحصار)، خج (نسخه محمد نخجوانی)، فذ (نسخه موزه قونیه که عکس آن را دکتر فریدون نافذ برای استاد فروزانفر فراهم کرده‌است).
۸. نصرالله مینوی (نصرالله منشی ۱۳۵۶: ۱۳۵۶) و شفیع کدکنی (عطار ۱۳۸۷: ۲۱۰) در معرفی دست‌نوشته‌های کلیله و دمنه (P1, P2, P3 = نسخه‌های کتابخانه ملی پاریس) و منطق الطیر (مراغی ۱، مراغی ۲ = نسخه‌های به خط ابراهیم‌بن عوض مراغی) نوعی از این شیوه را به‌کار بسته‌اند (نیز رک. بغدادی ۱۴۲۲: ۱۹۳/۱).

حال آنکه غالب مصححان برجسته عرب از همان آغاز یک حرف را رمز نسخه‌ها قرار داده‌اند (رک. جاحظ ۱۴۱۸: ج ۱۷/۱؛ بغدادی ۱۴۲۲: ج ۱۹۳/۱؛ کتبی ۱۹۷۳: ج ۴/۱).

۴-۵- کامل بودن

پیشنهاد دیگر در تعیین علائم، انتخاب صورت کامل حروف به‌عنوان رمز نسخه‌هاست که از آمیختگی آن‌ها با برخی از علائم سجاوندی، مانند «.»، «،» و «؛»، جلوگیری می‌کند. برای نمونه، رمز یکی از نسخه‌های استاد یوسفی در تصحیح گلستان (سعدی ۱۳۸۷: ۱۸) و بوستان (سعدی ۱۳۶۹: ۱۳) «ه» (= نسخه کتابخانه دیوان هند) است. نقص این رمز زمانی آشکار می‌شود که پیش از علائم سجاوندی قرار بگیرد: هـ / هـ / هـ؛ چنان‌که می‌بینیم، رمز با علائم سجاوندی آمیخته شده است (نیز رک. انوری ۱۳۶۴: ۱۲۱).^۹

۵- نتیجه

از جمله کارهای اولیه در تصحیح انتقادی متون، تعیین علائم اختصاری برای نسخه‌های مبنای تصحیح است که کمتر درباره آن سخن گفته‌اند و قواعد روشنی برای آن تعیین نکرده‌اند. این مسئله هم کاستی‌هایی را در کار مصححان در پی داشته و هم مشکلاتی برای خوانندگان پدید آورده است. در این مقاله پیشنهادهایی ارائه شده است که اگر مبنا و معیار تعیین این علائم قرار بگیرند بسیاری از این نقص‌ها رفع خواهد شد.

منابع

- ابن‌الصلاح، عثمان بن عبدالرحمن (۱۴۲۳ هجری)، معرفة أنواع علوم الحديث، تحقیق عبداللطیف الهمیم و ماهر یاسین الفحل، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ابن‌بلخی (۱۳۸۵)، فارس‌نامه، تصحیح گای لیسترانج، رینولد الن نیکلسون، تهران، اساطیر.
- امیدسالار، محمود (۱۳۸۵)، تاریخچه‌ای از تصحیح متن در مغرب‌زمین و در میان مسلمین، آینه میراث، ش ۲ و ۳، ۷-۳۲.
- انوار، قاسم (۱۳۳۷)، کلیات، تصحیح سعید نفیسی، تهران، سنایی.
- انوری، اوحدالدین علی (۱۳۶۴)، دیوان، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، تهران، علمی و فرهنگی.

۹. مسعود فرزاد ضمن یکی از مقالات خود در زمینه تصحیح متون (فرزاد ۱۳۵۳: ۸۸۹)، پیشنهاد کرده است که در تعیین علائم اختصاری نسخه‌ها از پانزده حرف از الفبای فارسی استفاده شود که از حیث شکل نگارش با یکدیگر تفاوت بارز دارند و احتمال اشتباه شدن آنها با یکدیگر بسیار کم است. مزیت این شیوه، یعنی پیشگیری از تصحیف علائم، اگرچه قابل توجه است، محدودیت زیادی برای مصحح ایجاد می‌کند و برقرار کردن ارتباط میان نسخه و رمز آن را دشوار می‌سازد.

- اوحدی مراغی، اوحدالدین (۱۳۴۰)، دیوان، تصحیح سعید نفیسی، تهران، امیرکبیر.
- بغدادی، ابن بطلان (۱۳۶۶)، تقویم الصحه، ترجمه مترجمی ناشناس، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران، علمی و فرهنگی.
- بغدادی، خطیب (۱۴۲۲ق)، تاریخ مدینه السلام، تحقیق بشار عواد معروف، بیروت، دارالغرب الإسلامی.
- بهاء‌ولد، محمدین حسین (۱۳۸۲)، معارف، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، تهران، طهوری.
- بیرونی، ابوریحان محمد (۱۳۵۱)، التفهیم لأوائل صناعة التنجیم، تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران، انجمن آثار ملی.
- بینش، تقی (۱۳۵۴)، روش تصحیح متون فارسی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، زمستان، شماره ۱۱۶، صفحه‌های ۵۶۱-۶۱۲.
- بیهقی، ابوالفضل محمد (۱۳۲۴)، تاریخ بیهقی، تصحیح قاسم غنی. علی‌اکبر قیاض، تهران، چاپخانه بانک ملی ایران.
- بیهقی، ابوالفضل محمد (۱۳۵۰)، تاریخ بیهقی، تصحیح علی‌اکبر قیاض، مشهد، دانشگاه مشهد.
- جاحظ، ابی عثمان عمرو (۱۴۱۸ق)، البیان و التبیان، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قاهره، مطبعة المدنی.
- جوینی، عظاملک (۱۳۸۵)، تاریخ جهانگشای جوینی، تصحیح محمد قزوینی، ۳ ج، تهران، دنیای کتاب.
- جهانبخش، جویا (۱۳۷۸)، راهنمای تصحیح متون، تهران، میراث مکتوب.
- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۲۰)، دیوان، تصحیح محمد قزوینی، تهران، زوار.
- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۶۲)، دیوان، تصحیح پرویز نائل خانلری، تهران، خوارزمی.
- سامرائی، ابراهیم (۱۴۰۷ق)، المختصرات و الرموز فی التراث العربی، اللغة العربیة الأردنی، العدد ۳۲، ۱۱۴-۱۰۵.
- سعدی، مصلح‌الدین عبدالله (۱۳۶۹)، بوستان، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران، خوارزمی.
- سعدی، مصلح‌الدین عبدالله (۱۳۸۷)، گلستان، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران، خوارزمی.
- سنایی، ابوالمجد مجدود (۱۳۵۹)، حدیقة الحقیقه و شریعة الطریقه، تصحیح محمدتقی مدرّس رضوی، تهران، دانشگاه تهران.
- سنایی، ابوالمجد مجدود (۱۳۴۱): دیوان، تصحیح محمدتقی مدرّس رضوی، تهران، کتابخانه ابن سینا.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن (۱۴۲۵ق)، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق أبوقتیبة نظر محمد الفاریابی، ۲ ج، ریاض، دار طیبیه.
- عراقی، فخرالدین ابراهیم (۱۳۶۳)، کلیات، تصحیح سعید نفیسی، تهران، سنایی.
- عطار، فریدالدین محمد (۱۳۸۶)، مصیبت‌نامه، تصحیح شفیعی کدکنی، تهران، سخن.
- عطار، فریدالدین محمد (۱۳۸۷)، الاهی‌نامه، تصحیح شفیعی کدکنی، تهران، سخن.
- عطار، فریدالدین محمد (۱۹۰۷م)، تذکرة الاولیا، تصحیح نیکلسون، لیدن، بریل.
- عطار، فریدالدین محمد (۱۹۴۰)، الهی‌نامه، تصحیح هلموت ریتر، استانبول، مطبعة معارف.

- عوفی، سدیدالدین محمد (۱۹۰۶)، لباب‌الالباب، تصحیح ادوارد براون، لیدن، بریل.
- غزنوی، سید حسن (۱۳۶۲)، دیوان، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، تهران، اساطیر.
- غزّی، بدرالدین محمد (۱۴۳۰ هجری)، الذّرّ النضید فی أدب المفید و المستفید، تحقیق أبو یعقوب نشأت المصری، قاهره، مکتبه التوعیة الإسلامیة.
- فرزاد، مسعود (۱۳۵۳)، روش علمی برای تصحیح متون، گوهر، ش ۲۲، ص ۸۸۵-۸۹۱.
- فضلی، عبدالهادی (۱۴۰۲)، تحقیق التراث، جدّه، مکتبه‌العلم.
- کافی، علی (۱۳۷۰)، «اختصارات و زبان فارسی»، نشر دانش، ش ۶۵، ص ۱۳-۲۳.
- کتبی، محمدمبن شاکر (۱۹۷۳)، فوات‌الوفیات، تحقیق احسان عباس، بیروت، دار صادر.
- مامقانی، محمدرضا (۱۴۱۲)، معجم الرموز و الاشارات، بیروت، دارالمؤرخ العربی.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۷۹)، تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- مختاری غزنوی، سراج‌الدین عثمان (۱۳۴۱)، دیوان، تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۹۲۵)، مثنوی معنوی، تصحیح نیکلسون، لیدن، بریل.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۵۵)، کلیات شمس، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران، امیرکبیر.
- میهنی، محمدمبن منور (۱۳۶۶)، اسرارالتوحید، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، ۲ ج، تهران، آگاه.
- نصرالله منشی، ابوالمعالی (۱۳۵۶)، کلیله و دمنه، تصحیح مجتبی مینوی، تهران، دانشگاه تهران.
- وراوینی، سعدالدین (۱۳۱۰)، مرزبان‌نامه، تصحیح محمد قزوینی، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- هلالی جغتایی، بدرالدین (۱۳۳۷)، دیوان، تصحیح سعید نفیسی، تهران، سنایی.
- kenney, e.j. (1984), «textual criticism», *encyclopedia Britannica*, 15th Ed., Vol. 18, Chicago, University of Chicago Press, p. p.189-195.
- Lindsay, W. M and Notae Latinae (1915), *an Account of Abbreviation in Latin Mss. Of the Early Minuscule Period (C. 700-850)*, Cambridge, Cambridge University Press.
- Trice Martin, Ch (1910), *The Record Interpreter*, a collection of abbreviations, Latin words and names used in English historical manuscripts and records, 2nd Ed., London, Stevens and Sons.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی